

## آموزش گفتن دروغ‌های مناسب اجتماعی به کودکان با اختلال طیف اتیسم

نویسندگان: ریان برگستروم، ادل سی. ناچ دوسکی، ماریسلا آلوارادو و جانانان تاربوکس  
مترجم: سیده مریم فضائلی<sup>۱</sup> (دکترای تخصصی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

### چکیده

در این مطالعه، از طرح خط پایه غیرهم‌زمان<sup>۲</sup> برای ارزیابی استفاده از قواعد، ایفای نقش، و بازخورد دادن برای آموزش دروغ‌های مناسب اجتماعی به سه کودک با اختلال طیف اتیسم استفاده شد. در دو موقعیت، دروغ‌هایی که از حیث اجتماعی مناسب بودند، آموزش داده شدند: الف- وقتی که هدیه‌ای به شخصی داده می‌شد که دلخواهش نبود؛ ب- وقتی که ظاهر یک فرد به صورت غیرمطلوب و ناخوشایند تغییر می‌کرد. یافته‌ها نشان داد که انجام مداخله برای آموزش استفاده از دروغ‌های مناسب اجتماعی مؤثر بود و تعمیم آموزش به موقعیت‌های افراد و هدیه‌های غیردلخواه یا تغییر در ظاهر که به شرکت‌کنندگان آموزش داده نشده بودند، مشاهده شد.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال طیف اتیسم، فریب، دروغ، اتخاذ دیدگاه، نظریه ذهن.

### مقدمه

با توجه به اینکه تشخیص و شناسایی پیشرفته دروغ‌های مناسب اجتماعی مقید و وابسته به موقعیت<sup>۴</sup> و نیز خزانه زبانی لازم برای گفتن دروغ است، مایه تعجب و شگفتی نیست که افراد با اختلال طیف اتیسم ممکن است مشکلاتی در درک و گفتن دروغ داشته باشند (هاپ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴).

برنامه‌هایی آموزشی در زمینه آموزش فریب به افراد با اختلال طیف اتیسم (برای مثال، مهارت‌ها) وجود دارند؛ اما در زمینه آموزش مهارت‌های فریب مناسب به کودکان با اختلال طیف اتیسم پژوهش‌های اندکی انجام شده است. در پژوهشی، رینیک<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۹۷) اثرهای آموزش به کودکان با اختلال طیف اتیسم را در زمینه پنهان کردن شیء در دستشان از چشم بیننده‌ای که حدس می‌زد آن شیء در دستشان پنهان شده بود، بررسی کردند. در جلسات خط پایه، مدل‌سازی و دریافت پاداش به کار برده شده بود. درمان، شامل افزودن تقویت‌کننده خوراکی برای برآوردهای بی‌طرفانه با هدف دریافت پاسخ مطلوب بود. دو شرکت‌کننده پاسخ را در جلسات خط پایه یاد گرفتند و یک شرکت‌کننده به تقویت‌کننده خوراکی برای دریافت پاسخ نیاز داشت. اگرچه این مطالعه فاقد گروه کنترل بود، یافته‌ها نشان می‌دهند که رویه‌های رفتاری می‌توانند برای آموزش مهارت‌های فریب‌آمیز مؤثر باشند.

دروغ گفتن رفتاری مسئله‌دار تلقی می‌شود؛ اما در موقعیت‌هایی دروغ گفتن به لحاظ اجتماعی مناسب است؛ برای مثال، فریب در این مواقع به کار برده می‌شود: پنهان کردن راز، اجتناب از برملاکردن اتفاقات شگفت‌انگیز<sup>۳</sup>، گفتن لطیفه (برای اجتناب از برملاکردن نکات اصلی یک گفت‌وگو) و حریف را از میدان به‌درد کردن در بازی. فریب هنگامی از حیث اجتماعی مناسب است که یک فرد نظر دوستش را درباره مدل موهایش که جذاب نیست، می‌پرسد. یا هنگامی که یک شخص نظر همسرش را درباره لباس نامناسبی که پوشیده است، جويا می‌شود. برای بیشتر افراد، تعیین چگونه واکنش نشان دادن به مورد آخر شامل این موارد است: الف: ارزیابی ظاهر فرد؛ ب: پیش‌بینی تأثیر هیجانی و عاطفی بیان حقیقت؛ پ: فردی که حقیقت را گفته یا آن را کتمان کرده و دروغ گفته است، باید پیامدهای رفتارش را پیش‌بینی کند (برای مثال، اینکه به یک شخص اجازه داده شود لباس نامناسبی بپوشد و با آن به محل کارش برود، ممکن است زیان‌آورتر از آسیب رساندن به احساساتش باشد)؛ بنابراین، پاسخ‌های مرتبط به گفتن دروغ‌های مناسب اجتماعی اساساً پاسخ‌های کلامی و مقید و وابسته به موقعیت‌های محیطی هستند.

4- Situation

5- Happe

6- Reinecke

1- Email: ma.fazaeli@mail.um.ac.ir

2- Non-concurrent multiple baseline

3- Surprises

در این مطالعه، دو پسر (۵ و ۹ ساله) و یک دختر (۷ ساله) با اختلال طیف اتیسم شرکت داشتند. هر کدام از آن‌ها برنامه مداخله رفتاری یکپارچه‌ای را در منزلشان برای ۸ تا ۳۰ ساعت در هفته دریافت کردند. هر کودک با استفاده از تقاضاها، مهارت‌ها<sup>۸</sup> و عناصر درون کلامی<sup>۹</sup> به صورت جمله کامل صحبت می‌کرد. این کودکان می‌توانستند از طریق «نقش بازی کردن» یاد بگیرند. شرکت‌کنندگان براساس گفته والدینشان برای ورود به مطالعه حاضر انتخاب شدند؛ بدین صورت که کودکان باید آشکارا گفته‌های صادقانه را اغلب به صورت گستاخ‌آمیز تعبیر و تفسیر می‌کردند (برای مثال، هنگام دیدن پسری که پیراهن صورتی رنگ پوشیده بود، می‌پرسیدند «چرا آن پسر پیراهن دخترانه پوشیده است؟»). در هر روز، درمانگران یک تا سه جلسه کارآزمایی را در دوره‌هایی بین برنامه‌های درمانی آموزشی که به صورت منظم برنامه‌ریزی شده بود، اجرا کردند. مدت زمان جلسات خط پایه و تعمیم کمتر از ۱ دقیقه بود و همچنین، مدت جلسات آموزشی ۵ تا ۱۰ دقیقه بود.

### سنجش پاسخ<sup>۱۰</sup> و توافق بین ناظران<sup>۱۱</sup>

هنگامی که هر شرکت‌کننده براساس هر کارآزمایی بالینی<sup>۱۲</sup> پاسخ می‌داد، ناظران به او سه امتیاز می‌دادند. برای دریافت ۳ امتیاز، لازم بود شرکت‌کننده دروغی را که بیانگر تأیید و موافقت باشد (برای مثال، «آن را دوست دارم»)، با استفاده از نواخت<sup>۱۳</sup> واقعی (یعنی گفتن بالحن غیریکنواخت و با زیر و بمی<sup>۱۴</sup> بالاتر) و درحالی که لبخند می‌زند (و نه با حالات چهره نامناسب مانند پشت چشم نازک کردن به نشانه ناراحتی و عدم تحمل چیزی<sup>۱۵</sup>) بگوید. برای دریافت ۲ امتیاز، لازم بود شرکت‌کننده دروغی را که بیانگر تأیید و موافقت باشد یا با نواخت واقعی یا لبخندزدن (اما نه هر دو) بگوید. برای دریافت ۱ امتیاز، لازم بود شرکت‌کننده دروغی را که بیانگر تأیید و موافقت باشد، با نواخت غیرواقعی و بدون لبخندزدن

رویه رفتاری دیگر، آموزش مهارت‌های رفتاری، شامل استفاده از آموزش، مدل‌سازی، تمرین و بازخورد بود که برای آموزش رفتار اجتماعی به افراد با اختلال طیف اتیسم مؤثر است. به‌طور ویژه، استوارت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷) و پیترز<sup>۲</sup> و تامسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند که آموزش مهارت‌های رفتاری بهبود دهنده مهارت‌های اجتماعی مرتبط با مشارکت در امور موردعلاقه شریک مکالمه بود. همچنین، نشان داده شده است که آموزش مهارت‌های رفتاری، در آموزش شناسایی و پاسخ مناسب به گفته‌های فریب‌آمیز دیگران به کودکان با اختلال طیف اتیسم مؤثر بوده است (رانیک<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). به‌ویژه اینکه در مطالعه رانیک و همکاران (۲۰۱۳) شرکت‌کنندگان یاد گرفتند زمانی که دیگران به آنها دروغ می‌گویند را شناسایی کنند که شامل دو حالت بود:

الف- از طریق گرفتن تعلقات و چیزهای موردعلاقه آن‌ها و

ب- از طریق کنار گذاشتن و شرکت ندادن آن‌ها در امور.

هر چند تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه استفاده از آموزش رفتاری اجتماعی برای آموزش افراد با اختلال طیف اتیسم در استفاده از گفته‌های فریب‌آمیز انجام نشده است، اما مطالعات قبلی امیدوارکننده و نویدبخش هستند.

مطالعه حاضر ارزیابی می‌کند که آیا آموزش مهارت‌های رفتاری که متشکل از قواعد<sup>۵</sup>، نقش بازی کردن<sup>۶</sup> و بازخورد<sup>۷</sup> است، می‌تواند برای آموزش کودکان با اختلال طیف اتیسم در استفاده از دروغ‌های مناسب اجتماعی، هنگام دادن هدیه نامطلوب و هنگامی که ظاهر فرد به شیوه‌ای نامطلوب تغییر کرد، به کار برده شود یا خیر.

## روش

### شرکت‌کنندگان و موقعیت

- 8- Tacts
- 9- Intraverbals
- 10- Response measurement
- 11- Interobserver agreement
- 12- trial
- 13- tone
- 14- pitch
- 15- eye rolling

- 1- Stewart
- 2- Peters
- 3- Thompson
- 4- Ranick
- 5- Rules
- 6- Role-palying
- 7- Feedback

من چیست؟» محرک‌های به‌کاربرده شده برای تغییر دادن ظاهر شامل این موارد بود: مو (برای مثال، سبک موها، گیره‌های مو، پاپیون‌های بزرگ، موهای بور و بلوند)؛ لباس‌های صورتی رنگ (برای مثال، پیراهن، دستکش، عینک آفتابی)، لباس‌های شل و گشاد، کلاه‌ها (کلاه یک‌وری، کلاه کابویی<sup>۹</sup>)، عینک‌های آفتابی و زنجیرهای عینک، کفش‌های غیرعادی، موهای مصنوعی صورت و رنگ‌های روشن رنگ لب. در جلسات، این هدایا و تغییر در ظاهر توسط آزمایشگران، درمانگران یا سایر همکارانی که در طرح شرکت داشتند<sup>۱۰</sup>، ارائه شده بود که از این پس به این موارد با عنوان درمانگران اشاره می‌شود.

**جلسات خط پایه:** در جلسات خط پایه، سه تا پنج درمانگر هدیه‌ای را آماده می‌کردند یا ظاهر خود را تغییر می‌دادند؛ اما آنها بازخورد یا پیامد دیگری برای دریافت پاسخ از شرکت‌کننده نشان نمی‌دادند.

**آموزش:** رویه‌های آموزش (اقتباس از درس «فریب» در برنامه درسی مهارت‌ها [www.skillsforautism.com](http://www.skillsforautism.com)) شامل ارائه قواعد توصیفی، نقش بازی کردن و در صورت نیاز، بازخورد اصلاحی<sup>۱۱</sup> بود. یک درمانگر همه قواعد و جلسات نقش بازی کردن را در موقعیت‌های دادن هدیه و تغییر ظاهر اجرا می‌کرد. درمانگر جلسات دادن هدیه را با این عبارات آغاز کرد: «برخی اوقات ممکن است هدیه‌ای از کسی دریافت کنی که آن را دوست نداری یا اصلاً آن را دوست نخواهی داشت یا قبلاً مانند آن هدیه را داشتی. برای فردی که آن هدیه را به تو داده است، دادن هدیه خوشایند بوده و تو نمی‌خواهی به احساسات او لطمه وارد کنی. بنابراین، اگرچه تو از داشتن آن هدیه خوشحال نیستی، اما باید لبخند بزنی و چیزی خوشایند و خوب یا شبیه این عبارت به او بگویی: «متشکرم! هدیه را دوست دارم!»». درمانگر جلسات نمایش را با گفتن این جمله آغاز کرد: «اگر شخصی چیزی بپوشد که تو آن را دوست نداری یا ظاهر آن شخص به گونه‌ای تغییر کند که تو دوست نداری، وقتی او از تو می‌پرسد نظرت راجع به هدیه و تغییر ظاهر من چیست، باید مطمئن باشی که به احساسات او

بگوید. اگر شرکت‌کننده نمی‌توانست دروغی بگوید که بیانگر تأیید و موافقت بود و نیز بدون لحاظ نواخت یا حالت چهره<sup>۱</sup> بود، نمره صفر می‌گرفت.

به‌طور هم‌زمان، ناظر دوم داده‌ها را برای محاسبه توافق بین ناظران در ۵۷ درصد، ۵۴ درصد و ۵۶ درصد از جلسات به ترتیب برای لثو<sup>۲</sup>، کتی<sup>۳</sup> و کارول<sup>۴</sup> جمع‌آوری کرد. اظهار نظرهای ناظران در زمینه وجود یا نبود دروغ، نواخت و حالت چهره در هر کار آزمایی مقایسه شد. ناظران با ۱۰۰ درصد کار آزمایی‌های همه شرکت‌کنندگان موافقت کردند.

## رویه<sup>۵</sup>

به شرکت‌کنندگان یاد داده شد که در دو موقعیت دروغ بگویند. در جلسات دادن هدیه، یک بزرگسال به یک کودک (شرکت‌کننده) هدیه‌ای که حاوی یک شیء غیر دلخواه بود یا چیزی بود که از قبل آزمودنی آن شیء را داشت، هدیه می‌داد و از کودک می‌پرسید «نظرت درباره این هدیه چیست؟» اشیایی که بر اساس نظر والدین به‌عنوان هدیه بسته‌بندی شده بودند، شامل این موارد بودند: بازی‌های تخته‌ای، عروسک، خودکار، استیکر یا پازل‌هایی با موضوع شخصیت‌های غیر دوست‌داشتنی (برای مثال، شاهزاده خانم<sup>۶</sup>، سیمپسون<sup>۷</sup>، کارز<sup>۸</sup>، خوانندگان محبوب)، کتاب‌های کار علمی، اشیای صورتی رنگ (برای مثال، جادوگر و شمع)، اشیایی برای کار با رنگ آمیزی (برای مثال، کتاب‌های رنگ آمیزی، مدادشمعی، مدادهای رنگی) و اسباب‌بازی‌های مخملی. در جلسات نمایش، ظاهر آن بزرگسال به گونه‌ای تغییر داده شده بود که کودک طبق آنچه والدین گزارش داده بودند، آن ظاهر را دوست نداشت. هنگامی که آن بزرگسال به منزل هر شرکت‌کننده وارد می‌شد، اعلام می‌کرد که از ظاهر جدیدش رضایت دارد (برای مثال می‌گفت «پیراهن جذاب و جالب من را ببین») و از شرکت‌کننده می‌پرسید «نظرت در مورد پیراهن

1- facial expression

2- Leo

3- Kathy

4- Carol

5- Procedure

6- Princess

7- Simpson

8- Cars

9- Cowboy

10- Confederators

11- Corrective feedback

لطمه وارد نکنی و چیزهای خوب و خوشایند مانند: «خوب به نظر می‌رسد»، یا «باحال است»، بگویی.

باید توجه داشت که در این جلسات، درمانگر هیچ آموزشی با توجه به نواخت یا حالت چهره به شرکت‌کننده ارائه نکرد؛ اما پاسخ هدف را مدل‌سازی کرد.

پس از بیان قواعد در جلسات دادن هدیه، درمانگر موقعیت نقش بازی کردن را از طریق دادن یک هدیه و گفتن عبارت «من برای تو هدیه‌ای آماده کرده‌ام» آغاز کرد. پس از اینکه هدیه باز شد، درمانگر پرسید «نظرت درباره هدیه چیست؟» پس از بیان قواعد در طول جلسات نمایش، درمانگر اتاق را ترک کرد و ظاهرش را تغییر داد (برای مثال، «کلاه کابویی بر سر گذاشت») و سپس، برگشت و نظر شرکت‌کننده را پرسید (برای مثال، «کلاه عالی و بی‌نظیر من را ببین! نظرت درباره آن چیست؟»).

اگر شرکت‌کننده در مدت ۳ ثانیه پاسخ درست می‌داد، آزمونگر نمره ۳ به آن پاسخ می‌داد و اگر در مدت ۳ ثانیه، شرکت‌کننده هیچ پاسخی نمی‌داد، درمانگر قاعده یادآوری و مدل پاسخ درست را به شرکت‌کننده ارائه می‌کرد (برای مثال، «لازم است لبخند بزنی و چیزی خوب و خوشایند شبیه این را بگویی. وای! چه عالی است»). اگر پاسخ شرکت‌کننده به گونه‌ای بود که امتیاز ۳ را دریافت نمی‌کرد، درمانگر بازخوردی با توجه به موارد بیان نشده ارائه می‌کرد (برای مثال، «این خوب است؛ اما به یاد داشته باش که لازم است لبخند بزنی و هیجان‌زده به نظر برسی»). درمانگر شرکت‌کنندگان را ملزم نمی‌کرد پاسخ را تکرار کنند و به جای آن جلسه بعدی را آغاز می‌کرد. در جلسه خط پایه در مدت آموزش، درمانگر هیچ هدیه‌ای و تغییری در ظاهرش نداد و این موارد برای جلسات تعمیم در نظر گرفته شدند.

پس از اینکه شرکت‌کنندگان ۳ امتیاز در سه جلسه متوالی دریافت کردند، دیگر در آغاز جلسات، قواعد و نقش بازی کردن، ارائه نمی‌شد. وقتی که شرکت‌کنندگان پاسخ نادرست می‌دادند یا در مدت ۳ ثانیه با وجود ارائه کمک پاسخ نمی‌دادند و شکست می‌خوردند، درمانگر در آن موقعیت، بازخورد نهایی<sup>۱</sup> را ارائه می‌کرد. درمانگر می‌گفت: «به یاد بیاور، حتی اگر آن هدیه

یا تغییر در ظاهر من را دوست نداری، لازم است لبخند بزنی و چیزی خوب و خوشایند بگویی تا به احساسات من آسیب وارد نکنی». برای کاهش واکنش‌پذیری<sup>۲</sup>، درمانگران در هر روز فقط یک جلسه آموزش می‌دادند و چندین درمانگر کار آزمایشی‌های دادن هدیه و تغییر در ظاهر را منظم و سازماندهی کردند. با این وجود، درمانگر از پاسخ‌های مناسب تمجید و تعریف می‌کرد. وقتی که شرکت‌کنندگان پاسخ‌های درست پایدار و باثباتی را به افراد و محرک‌های جدید دادند، آموزش پایان یافت.

در برنامه‌ریزی برای تعمیم، سه تا شش درمانگر متفاوت، در مرحله بازخورد نهایی هدیه‌ها را به شرکت‌کنندگان دادند و تغییراتی در ظاهر خود ایجاد کردند. فقط یک درمانگر از مرحله خط پایه، در آموزش حضور داشت؛ پاسخ‌دادن به دیگر درمانگران خط پایه در طول ارزیابی تعمیم، ارزیابی گردید.

**ارزیابی تعمیم:** پس از تکمیل آموزش، درمانگران و وقایعی که در خط پایه روی داده بودند، دوباره با استفاده از رویه‌های یکسان ارائه شدند. همه درمانگران و هدیه‌ها از جلسه خط پایه دوباره ارزیابی شدند؛ اما یک درمانگر متفاوتی هر هدیه را می‌داد و هیچ یک از این درمانگران در مدت آموزش نبودند و هیچ یک از این هدیه‌ها در مدت زمان آموزش به شرکت‌کنندگان داده نشدند.

## بحث و نتیجه‌گیری

به لئو (یکی از کودکان شرکت‌کننده) هدیه داده نشد؛ زیرا، عملکردش به گونه‌ای بود که در خط پایه برای هدایای غیرمطلوب و دوست‌نداشتنی، معیار «داشتن مهارت» را داشت. در خط پایه، هر شرکت‌کننده امتیاز صفر را در همه جلسات (برای هدیه و ظاهر) دریافت کرد. در مدت ارائه قواعد و نقش بازی کردن، در جلسات کمی شرکت‌کنندگان توانستند ۳ امتیاز دریافت کنند. هنگامی که ارائه قواعد و نقش بازی کردن تداوم نیافت، شرکت‌کنندگان همچنان ۳ امتیاز دریافت می‌کردند. به دلیل خطای یک درمانگر، فقط مرحله بازخورد نهایی برای کارل (یکی از کودکان شرکت‌کننده) در مورد رویداد تغییر ظاهر اجرا نشد. به جای آن، درمانگر جلسه تعمیم را اجرا کرد و کارل به طور مناسب

فقط بازخورد نهایی برای کارل قبل از اینکه جلسات تعمیم اجرا شوند نشان داد که این تضعیف تدریجی مداخلات برای مشاهده تعمیم و تداوم و حفظ مهارت هدف ضروری نیست. پژوهش‌های آینده باید با هدف بررسی‌های تعمیم انجام شود تا مشخص گردد که آیا تضعیف ضروری است یا خیر.

در نهایت، معتقدیم یافته‌های این مطالعه تأیید و حمایتی برای استفاده از مداخله رفتاری - تحلیلی برای مهارت‌های نظریه ذهن (بارون-کوهن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵) است. این مهارت‌ها شامل اتخاذ دیدگاه<sup>۲</sup> است و عموماً به عنوان نقایص افراد با اختلال طیف اتیسم شناسایی می‌شود. چنین تصور می‌شود که بسیاری از این مهارت‌هایی که در نظریه ذهن سهم دارند، نمی‌توانند به طور مستقیم مشاهده یا آموزش داده شوند؛ اما این یافته‌ها تأییدی هستند بر اینکه رفتارهای قابل مشاهده‌ای که تصور می‌شود تبیینی برای وجود نظریه ذهن هستند، می‌توانند با استفاده از مداخله رفتاری بررسی شوند.

پاسخ داد. با توجه به موفقیت کارل، جلسات تعمیم ادامه یافتند. همه شرکت‌کنندگان در جلسات تعمیم، ۳ امتیاز دریافت کردند.

این یافته‌ها نشان داد که مداخله مطالعه حاضر در آموزش به همه شرکت‌کنندگان این پژوهش برای کاربرد دروغ‌های مناسب اجتماعی مؤثر بوده است. این نتایج به سرعت حاصل شد (هر جلسه از یک کارآزمایی تشکیل شده بود) و آموزش منجر شد به تعمیم به افراد و محرک‌هایی که شرکت‌کنندگان آموزش ندیده بودند. یافته‌های این پژوهش به سابقه مطالعات انجام‌شده در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی پیچیده به کودکان با اختلال طیف اتیسم افزود. این مطالعه نخستین پژوهشی است که می‌دانیم با هدف گفتن دروغ‌های مناسب اجتماعی به کودکان با اختلال طیف اتیسم انجام شده است. یافته‌های این پژوهش امیدبخش و نویددهنده است؛ اما سؤالاتی بر جای می‌گذارد که در پژوهش‌های آینده باید بررسی شود.

## References

1. Bergstrom, R., Najdowski, A. C., Alvarado, M., Tarbox, J. (2016). Teaching children with autism to tell socially appropriate lies. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 49, 405-410.

اول اینکه، شرکت‌کنندگان در این مطالعه خزانه واژگانی تثبیت شده‌ای داشتند که احتمالاً فراگیری این مهارت‌ها را برای آنها تسهیل کرد. در پژوهش‌های آینده باید پیش‌نیازهای ضروری برای یادگیری این مهارت و اینکه چگونه سرعت این یادگیری تحت تأثیر وجود یا نبود مهارت‌های خاص است، بررسی شود. دوم اینکه، در این مطالعه، تعمیم در بین بزرگسالان و محرک‌ها بررسی شد؛ اما تعمیم در موقعیت‌های دیگر ارزیابی نشد؛ در حالی که این موضوع مهم است تا مطمئن شویم از اینکه کودکان در مدرسه به افراد با ظاهر جدید پاسخ مناسب می‌دهند یا وقتی آن‌ها هدیه‌ای خارج از منزل از کسی دریافت می‌کنند، پاسخ مناسب می‌دهند. سوم اینکه، به کودکان با اختلال طیف اتیسم هم در جلسات گرفتن هدیه از کسی و هم در جلسات تغییر در ظاهر افراد، آموزش دادیم به این سؤال پاسخ دهند: «نظرت چیست؟». این امکان وجود دارد که گفتن دروغ‌های مناسب اجتماعی به دلیل محرک بودن این سؤال باشد و ممکن است این موضوع بوده است که پاسخ‌دادن کودکان را در جلسات ارزیابی تعمیم تسهیل کرده است. پژوهش‌های آینده باید وضعیت سؤالات متعدد را بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود از اینکه پاسخ‌دادن شرکت‌کنندگان تحت تأثیر محرک انتخابی نیست. چهارم اینکه، مشخص نیست کدام مؤلفه‌های درمانی مسئول تغییر رفتار هستند. حذف مرحله

1- Baron-Cohen

2- Perspective taking